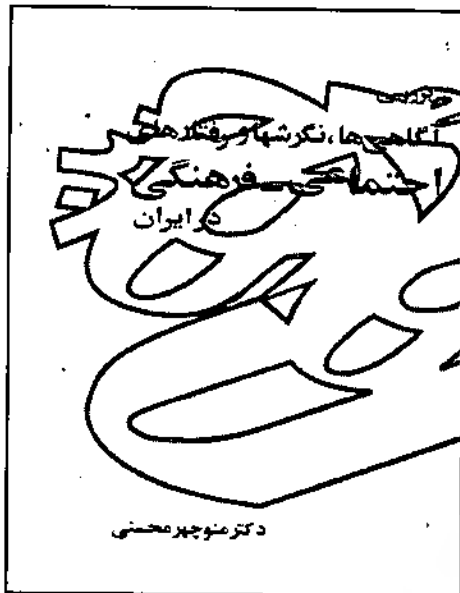


نگرش‌ها و رفتارهای ایرانیان



○ بررسی آگاهی‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی - فرهنگی در ایران
○ منوچهر محسنی
○ دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی کشور
○ ۱۳۷۹

○ افسانه کمالی
عضو هیأت علمی دانشگاه الزهرا (س)

چکیده:

از خانوارهای معمولی است و انتخاب آن با استفاده از روش‌های علمی نمونه‌گیری به صورت تصادفی و براساس روش احتمال متناسب با حجم جامعه (PPS) صورت گرفته است. با این که مطالعه در سطح ۵ مرکز استان و ۲ شهر از هر یک از استان‌ها انجام شده سطح استنتاج صرفاً براساس کل کشور بوده و نتیجه‌گیری‌های استانی صورت نگرفته است. نکته مهم در مورد این مطالعه، استفاده از روش KAP^۱ و فرض رابطه بین آگاهی، نگرش و رفتار است. محقق در توضیح تئوری عمل بخردانه (Reasoned action) می‌گوید که اکثر رفتارها به این دلیل انجام می‌شود که مردم به نتایج اعمال خود فکر می‌کنند و برای حصول پاره‌ای نتایج و پرهیز از برخی دیگر، دست به انتخاب منطقی می‌زنند. این تئوری بر دو بخش شخصی و اجتماعی و ترکیب آن استوار است و مدل آن، در نهایت به «قصد رفتاری» و «رفتار» می‌رسد.

این کتاب حاصل پژوهشی است که در سال ۱۳۷۲ در تهران و ۱۲ شهر دیگر از ۵ استان کشور و به سفارش شورای فرهنگ عمومی انجام شده است. هدف کلی مطالعه، شناخت نگرش‌ها در رفتارهای اجتماعی - فرهنگی ساکنان مناطق شهری کشور در حیطه فرهنگ بوده است. در این زمینه گسترده، بخش‌هایی از فرهنگ که موردتوجه قرار گرفته عبارت است از: زندگی و روابط خانوادگی، معیارهای ازدواج و همسرگزینی، کاربرد وسایل ارتباط جمعی، راه‌های ارتباطی، روابط اجتماعی، عضویت در گروه‌ها و انجمن‌ها، گذران اوقات فراغت و تفریحات، رضایت فرنی و اجتماعی، موقعیت زن و مرد در جامعه، پیش‌داوری‌ها، عقاید عمومی - ارزش‌های اجتماعی، باورها و عقاید عامه، برخی از رفتارهای مذهبی، جهان‌بینی، آگاهی‌های عمومی - فرهنگی و آشنایی با زبان‌های خارجی، باتوجه به وجه توصیفی مطالعه و جمع‌آوری اطلاعاتی در قالب KAP (آگاهی، نگرش و رفتار)، کلیه جداول اصلی (منظیرهای وابسته) بر مبنای متغیرهای زمینه‌ای (جنس، سن، سواد، وضع تأهل و درآمد) تنظیم شده و فرضیاتی در این زمینه مورد آزمون قرار گرفته است.

رفتار	→	لصد رفتاری	→	هنگارهای ذهنی	+ گرایش نسبت به رفتار (عمل)
				شامل:	شامل:
				- نظر در مورد عقاید دیگران	- نتایج مورد انتظار از رفتار
				در مورد رفتار	- ارزش‌های متناسب به نتایج
				- انگیزه‌ها در مستجابی	
				به انتظارات	

باتوجه به اینکه حجم بالایی از جامعه آماری مورد بررسی (حدود ۶۷ درصد) متعلق به تهران است، به نظر می‌رسد که داده‌های پژوهش و تحلیل‌های ارائه شده نمی‌تواند حتماً ملی داشته باشد. علاوه بر این به دلیل ساختار توصیفی طرح، سنخش میزان تأثیر آگاهی‌ها بر نگرش‌ها به دست فراموشی سپرده شده است. ناهمخوانی برخی تحلیل‌ها با داده‌های آماری و نیز عدم تطبیق برخی از استدلال‌ها با واقعیت‌های عینی، از نقت و فایده‌رسانی این پژوهش کاسته است. در مجموع این پژوهش به دلیل گستردگی و فراخندای بررسی‌ها، داده‌های بسیاری برای هرگونه تحلیل عمیق و طولی در کشور فراهم می‌سازد.

مقدمه

همان‌طور که محقق در ابتدای گزارش خود می‌نویسد، هدف کلی این مطالعه شناخت نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی - فرهنگی ساکنان مناطق شهری کشور در حیطه فرهنگ (هنگارها و ارزش‌های اجتماعی - فرهنگی، زندگی جاری اجتماعی، فراغت و تفریح و وسایل اجتماعی) است که در ۱۲ حوزه مختلف و در محورهای گوناگون به روش توصیفی (مقطعی) و با انگیزه طراحی یک تصویر کلی از آن صورت گرفته است. در این مطالعه دیدگاه‌های ۲۵۴۰ نمونه پاسخگو در پنج استان (۵ مرکز استان و ۲ شهر دیگر از هراستان) از طریق پرسشنامه مورد بررسی قرار گرفته است. واحد آماری این مطالعه، یک فرد ۱۶ ساله و بالاتر

نظریه رفتار بخردانه بر این است که قصد‌های رفتاری تأثیر مستقیمی بر رفتار دارند. عوامل دیگری نظیر رفتاری که در گذشته صورت گرفته است، صرف نظر از نگرش‌های اظهار شده و هنگارهای مطرح نیز، بر تعیین رفتار مؤثر می‌باشند. حرکت از قصد رفتاری به یک رفتار عینی می‌تواند تحت تأثیر احساس تأثیر عوامل نظارت‌کننده یا موانع دیگر نیز قرار گیرد. در عین حال اگر چه این تئوری نمی‌تواند تمامی رفتارهای فردی را پیش‌بینی کند، اما در تجزیه و تحلیل رفتار و پیش‌بینی آن بسیار سودمند واقع می‌گردد.

○ ویژگی‌های اقتصادی - اجتماعی جامعه مورد بررسی
۲۴۹/۷٪ جامعه آماری مورد بررسی مرد و مابقی زن بوده‌اند. از میان ۲۵۴۰ پاسخگو، ۱۲ درصد بی‌سواد، ۶/۹ درصد باسواد بدون مدرک، ۱۷/۹ درصد سواد ابتدایی، ۱۸/۶ درصد در سطح راهنمایی، ۲۸/۲ درصد دیپلم، ۴/۸ درصد فوق دیپلم، و ۱۱/۱ درصد نیز با سواد لیسانس و بالاتر بوده‌اند. در گروه بی‌سوادان خانوارها به طور متوسط ۵/۴ نفر بود، حال آن که در میان نازندگان مدرک لیسانس و بالاتر این تعداد ۴/۱ نفر بوده است بعد خانوار در میان دیپلم‌ها نیز

۴/۷ نفر بوده است. به علت عمومیت ازدواج در جامعه نسبت پاسخگویان دارای همسر به کل پاسخگویان حدود ۷۲٪ بوده است که البته در میان زنان اندکی بالاتر از مردان نیز بوده است (۷۴٪ در مقابل ۷۰/۵٪) نسبت جمعیت فعال در میان پاسخگویان مرد حدود ۷۰٪ و در میان زنان پاسخگو تنها ۱۳/۸ درصد بوده است. مطابق اطلاعات بدست آمده متوسط درآمد سرانه افراد خانوار در ماه حدود ۱۱۳/۷۰۰ ریال (با انحراف معیار ۲۶۸/۰۰۰ ریال) و بر آن اساس درآمد سرانه سالانه حدود ۱/۳۶۴/۰۰۰ ریال بوده است. میانگین درآمد ماهانه در سطح خانوارهای مورد بررسی حدود ۴۵ هزار تومان (با انحراف معیار بسیار زیاد حد و ۵۸ هزار تومانی) و ارقام مربوط به نما و میانه آن برابر با ۳۰ هزار تومان بوده است. در آمد مردان شاغل رئیس خانوار در این بررسی حدود ۱/۷ برابر رقم مشابه برای زنان شاغل سرپرست خانوار بوده است. اطلاعات به دست آمده از جامعه آماری نشان می‌دهد که میانگین سنی مردان و زنان پاسخگو به ترتیب ۴۰ و ۳۹/۲ سال (با انحراف معیارهای برابر ۱۵/۸ و ۱۴/۹) بوده است. بیشترین درصد پاسخگویان در مورد هر دو جنس مربوط به گروه سنی ۲۳ - ۲۵ ساله و کمترین در صد در مورد مردان، مربوط به گروه سنی ۴۴ - ۴۵ ساله و در مورد زنان، مربوط به گروه سنی ۵۵ سال و بیشتر بوده است.

نظر به اهمیت پنج متغیر زمینه‌ای جنس، گروه سنی، سطح سواد، وضع تأهل و میزان درآمد رئیس خانوار در سنجش نگرش‌ها، آگاهی و دانش و رفتار افراد، در تمامی حوزه‌ها و محورهای مورد بررسی، رابطه متغیرهای گوناگون با این ۵ متغیر مورد سنجش قرار گرفته است که نتایج آن در بخش‌های بعد مورد توجه قرار خواهد گرفت.

۱. ازدواج و خانواده:

یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که سنت‌ها و الگوهای کهن ازدواج و تشریفات و مراسم وابسته به آن در جامعه از اهمیت زیاد برخوردار است. در عین حال روندهای جدیدی نظیر «معاشرت قبل از ازدواج دختر و پسر» موافقان زیادی را به خود جلب کرده است. ازدواج زودرس همانند گذشته دیگر یک امر مطلوب تلقی نمی‌شود و حدود ۸۸/۴٪ مردان و ۳۹/۶٪ زنان با ازدواج در سنین کمتر از ۲۱ سال مخالفند و در عین حال بیش از ۸۵٪ پاسخگوها فاصله سنی کمتر از ۱۰ سال بین زن و مرد را در هنگام ازدواج توصیه می‌کنند. مهمترین معیار گزینش همسر در میان مردان و زنان اگرچه اندکی متفاوت است ولی این معیارها به ترتیب برای مردان خوش اخلاقی، نجابت و اصالت خانوادگی و در مورد زنان نجابت، خوش اخلاقی و اصالت خانوادگی بوده است. علی‌رغم تأکید عمده پاسخگویان بر الگوهای سنتی ازدواج، الگوهای خانواده سنتی کمتر مورد تأیید آنان بوده است، به عبارت دیگر خانواده جدید مایل است نقش بیشتری در تصمیم‌گیری داشته باشد، هرم قدرت در درون خانوار شهری به طرف افقی شدن گرایش دارد و نقش و پایگاه سنتی مرد بیش از پیش مورد سؤال قرار می‌گیرد، هر چند که هنوز ۲۵٪ موارد شوهر تصمیم‌گیر اصلی است. در مورد روابط نسل‌ها، دو شاخص نو مکانی (زندگی والدین با فرزندان ازدواج) و جنایی حریم‌ها (تجویز اظهار نظر والدین در امور فرزندان ازدواج کرده) نشان می‌دهد که به طور کلی پاسخگویان با ازدواج، نوعی فاصله بین نسل‌ها را می‌پذیرند ولی تا پیش از آن (در مورد انتخاب دوست و رضایت برای ازدواج) به نظر والدین اهمیت بیشتری داده می‌شود. به طور کلی در حوزه ازدواج و خانواده، در ۱۷ محور مورد بررسی، جنس کمترین رابطه و سواد بیشترین رابطه را نشان می‌دهد، لذا شاید بتوان گفت مطابق داده‌های این تحقیق سواد و تحصیلات مهمترین عامل در تعیین نگرش‌های افراد در این حوزه می‌باشد.

جدول ۱. توزیع نسبی نظرات پاسخگویان در حوزه مسایل ازدواج و خانواده

موضوع	موافق	مخالف	متغیر زمینه‌ای غیر مؤثر
اجرای مراسم خواستگاری	۹۳/۹	۴/۱	سطح سواد
نامزدی	۶۵/۳	۲۸/۱	جنس، سن، وضع تأهل
اجرای مراسم عروسی باشکوه	۳۴/۵	۵۷/۱	—
معاشرت قبل از ازدواج دختر و پسر	۶۸/۶	۲۸/۱	جنس
ازدواج یا خویشان نزدیک	۳۰/۴	۶۱/۹	جنس
رضایت پدر و مادر برای ازدواج	۹۳/۳	۲/۶	گروه سنی، وضع تأهل، درآمد
ازدواج با بیش از یک زن	۶/۶	۹۱/۱	سن، وضع تأهل
مهریه	۷۹/۴	۱۶/۱	جنس، سن، سواد، وضع تأهل، درآمد
جهیزیه کافی	۷۴/۵	۱۸/۳	سن و درآمد
حق تصمیم‌گیری مرد	۳۵/۵	۶۳/۰	—
تنبیه بدنی فرزندان	۵/۴	۹۲/۲	جنس
اولویت پسر بودن فرزند اول	۲۵/۰	۴۶/۸	جنس، سن، وضع تأهل، درآمد
تناسب زندگی پدرومادر با فرزندان ازدواج کرده	۲۲/۵	۷۶/۷	جنس
اظهار نظر والدین در مورد فرزندان ازدواج کرده	۳۹/۸	۳۲/۸	تمامی متغیرها
اظهار نظر والدین در انتخاب دوست فرزندان	۹۰/۸	۶/۶	جنس، سواد، درآمد
داشتن بیش از ۲ فرزند	۲۰/۶	۷۵/۱	—
اجرای برنامه تنظیم خانواده	۹۶/۸	۱/۷	وضع تأهل، درآمد
—	—	—	—

جدول ۲. توزیع نسبی میزان مشارکت پاسخگویان در فعالیتهای گوناگون

موضوع	بلی	خیر	متغیر زمینه‌ای غیر مؤثر
شرکت در فعالیتهای ورزشی	۲۰/۳	۷۸/۳	—
شرکت در انجمن‌های علمی و فرهنگی	۹/۵	۸۸/۸	درآمد
شرکت در انجمن اولیاء و مربیان	۲۵/۵	۷۲/۷	—
شرکت در اتحادیه‌های صنفی	۹/۱	۸۹/۵	—
شرکت در انجمن‌های اسلامی	۱۱/۹	۸۶/۳	سن، وضع تأهل، درآمد

۲. رسانه‌ها:

مطابق یافته‌های تحقیق در سال ۱۳۷۴، قدرتمندترین رسانه‌ها در انتقال اخبار و اطلاعات تلویزیون (۷۰/۷٪) بوده است و پس از آن سایر رسانه‌ها به ترتیب اهمیت عبارت بوده‌اند از روزنامه‌ها، رادیو و گفتگو با دیگران، اهمیت خبر رسانی تلویزیون و گفتگو با دیگران برای زنان بیشتر از مردان است و در سنین مختلف نیز منابع خبر رسانی متفاوت می‌باشند. نقش خبر رسانی روزنامه در میان جوانان، مردان، صاحبان در آمد متوسط و بالا و بالاخره در کسانی که از نظر سطح سواد در سطح بالاتری هستند بیشتر است. حدود ۲۹٪ از گروه مورد بررسی اصلاً روزنامه نمی‌خوانند و در عین حال حدود ۲۰٪ از پاسخگویان از روزنامه استفاده خیلی زیادی می‌کرده‌اند. عمومیت مطالعه مجله از روزنامه خیلی کمتر بوده و در مجموع حدود

فراغت متمرکز در کانون خانه بیشتر در میان زنان، گروه‌های سنی بالاتر و متأهلین و فعالیت‌های خارج از خانه بیشتر در میان مردان، جوانان و مجردان رایج است که البته با مشاهدات عینی نیز کاملاً هم‌نوازی دارد.

جدول ۳: انواع روشن‌های گذران اوقات فراغت به ترتیب اهمیت برحسب توزیع نسبی استفاده زیاد و عدم استفاده از آن

نوع فعالیت	عدم استفاده	استفاده زیاد	متغیرهای زمینه‌ای غیر مؤثر
تماشای تلویزیون	۲/۱	۴۷/۵	فرامد
استراحت در خانه	۶/۷	۳۵/۲	سطح سواد
معاشرت با اقوام و دوستان	۲/۲	۲۶/۹	جنس، درآمد
مطالعه	۲۴/۲	۲۴/۲	-
مسافرت	۴۸/۲	۲۲/۲	-
رفتن به مسجد	۲۸/۶	۱۸/۷	-
قدم زدن	۲۴/۱	۱۵/۰	-
گوشی دادن به رادیو	۲۲/۳	۱۶/۰	فرامد
رفتن به پارک	۲۶/۲	۱۰/۷	-
لوازش	۳۲/۲	۱۲/۸	-
انجام کارهای دستی (یا تفریحی)	۵۹/۰	۹/۶	فرامد
رفتن به موزه و نمایشگاه	۶۰/۹	۲/۹	-
رفتن به سینما	۶۶/۳	۲/۷	-
شرکت در انجمن‌ها و گروه‌ها	۸۲/۱	۲/۳	-
رفتن به قهوه‌خانه و کافه	۹۰/۳	۱/۱	-

جدول ۴: میزان رضایت از جنبه‌های مختلف زندگی (برحسب درصد)

موضوع رضایت	رضایت نسبی و کامل	متغیر زمینه‌ای غیر مؤثر
زندگی خانوادگی	۹۷/۱	-
وضع تغذیه	۹۲/۷	-
وضع سلامت	۹۱/۹	-
وضع مالی	۸۷/۹	-
وضع مسکن	۸۵/۸	-
شهر محل زندگی	۸۳/۴	سن، وضع تاهل، درآمد
بخت و اقبال	۷۱/۶	سطح سواد
رضایت از زندگی به طور کلی	۹۱/۴	جنس، سن، سطح سواد، وضع تاهل

۵. مسایل زنان:

در میان پاسخگویان، میزان موافقت با اشتغال زنان حدود ۵۳٪ و میزان مخالفت حدود ۳۹٪ بوده است. این مسئله با جنس، سن، سواد، وضع تاهل و درآمد رئیس خانوار همبستگی داشته است و به عبارت دیگر میزان موافقت زنان، تحصیل کردگان دانشگاهی، درآمدهای بالا، مجردان و جوان‌ترها موافقت بیشتری با کار زنان نسبت به سایر گروه‌ها دارند. حدود ۶۰٪ از پاسخگویان با این نظر که «در جامعه به مردان اهمیت بیشتری داده می‌شود» موافق

۴۶٪ گروه مورد بررسی هرگز مجله نمی‌خواندند و تنها ۸٪ خیلی زیاد مبادرت به خواندن مجله می‌کرده‌اند، در عین حال توجه زنان، جوانان، مجردین و پر درآمدها به آن بیشتر از سایر گروه‌ها بوده است. اگر چه حدود ۲۲٪ از جامعه آماری هرگز کتاب نمی‌خواندند، اما ۲۶٪ آنان بسیار زیاد مطالعه کتاب می‌کرده‌اند. رواج نوارهای صوتی در میان پاسخگویان بیشتر از ویدئو بوده است. به طوری که در مقابل حدود ۶۰٪ پاسخگویان که هرگز از ویدئو استفاده نمی‌کرده‌اند، تنها ۴۱٪ آنان از نوار صوتی اصلاً استفاده نمی‌کرده‌اند. به زعم محقق، در فاصله سال‌های ۱۳۵۳ تا ۱۳۷۴ مطالعه مطبوعات در سال ۱۳۵۸ افزایش زیادی داشته است، اما در سال ۱۳۷۴ در مقایسه با قبل کاهش نشان می‌دهد؛ در عین حال در این فاصله مطالعه کتاب روندی صعودی داشته است.

در میان متغیرهای عمده مورد بررسی، عامل جنس کمترین تأثیر و عامل سطح سواد بیشترین تأثیر را بر میزان استفاده از رسانه‌ها داشته است. مطالعه روزنامه مجله و کتاب در مرتبه اول تحت تأثیر عامل سواد و سپس سن بوده و در مورد استفاده از ویدئو، عامل سواد و بعد در آمد تأثیر بیشتری داشته است. در مورد نوارهای صوتی عامل سن مؤثرترین و سپس عامل سواد بیشترین تأثیر را بر میزان استفاده داشته است.

۳. روابط و مشارکت اجتماعی:

برای طرح مسائل خصوصی افراد پس از همسر، پدر و مادر گروه‌های مرجع هستند و در میان زنان، طرح مسائل خصوصی با برادران و خواهران رواج بیشتری دارد. جوانان مسایل خود را به ترتیب با پدر و مادر، همسر، دوستان و خواهر و برادر خود مطرح می‌کنند. به موازات افزایش سن از مرجعیت دوستان برای طرح مسائل خصوصی کاسته می‌شود. در عین حال حدود ۸٪ از جامعه آماری مسائل خود را با هیچکس مطرح نمی‌کنند و در این میان جوانان، افراد با تحصیلات بالاتر، مطلقه‌ها و مجردان نسبت بیشتری دارند.

در مورد میزان مشارکت پاسخگویان، مطابق داده‌های موجود، بیشترین میزان مشارکت مربوط به شرکت در انجمن اولیاء و مربیان و کمترین مورد مربوط به شرکت در اتحادیه‌های صنفی می‌باشد (۲۵/۵٪ در مقابل ۹/۱٪). اگر چه نمی‌توان همچون موارد قبل میزان پیوستگی متغیرهای زمینه‌ای مورد بررسی را با میزان مشارکت در محورهای گوناگون، مورد توجه و بررسی قرار داد، اما در عین حال دو عامل درآمد و جنسیت کمترین میزان تأثیرپذیری را بر این محورها دارند.

۴. نحوه گذران اوقات فراغت و تفریحات:

پاسخگویان مورد بررسی بیش از هر نوع فعالیت دیگر، تماشای تلویزیون را ترجیح می‌دهند. موارد استراحت در خانه و معاشرت با اقوام در ردیف‌های بعدی بیشترین و رفتن به سینما، شرکت در انجمن‌ها و گروه‌ها و رفتن به قهوه‌خانه و کافه کمترین اهمیت را در گذران اوقات فراغت به خود اختصاص داده بودند. در مجموع به نظر می‌رسد گذران اوقات فراغت در کانون خانواده اهمیت بیشتری در میان پاسخگویان جامعه شهری دارد. به زعم محقق، این مسأله می‌تواند ناشی از عدم تکوین نسبی روش‌ها و فعالیت‌های گذران اوقات فراغت مناسب در خارج از خانه و یا مهیا نبودن شرایط خاصی برای آنها باشد. متغیر زمینه‌ای در آمد در موارد نسبتاً زیادی با نوع فعالیت گذران اوقات فراغت رابطه‌ای نداشته است، اما به دلیل عدم درج در متن گزارش، نمی‌توان عوامل مهم در تعیین نوع گذران اوقات فراغت در جامعه شهری ایران را به روشنی تعیین کرد. با این حال، داده‌ها نشان می‌دهد که فعالیت‌های اوقات

بوده‌اند، حال آن که تنها ۷۱۳/۴٪ به اهمیت بیشتر زنان در جامعه تأکید داشته‌اند. ۲۲۲/۵٪ پاسخگویان با فرض حیات مجدد، ترجیح می‌دهند که زن به دنیا بیاید، حال آن که ۵۱/۴٪ بیشتر تمایل داشته‌اند که مرد باشند. در عین حال در میان مردان، ۶۴/۳٪ مرد بودن را ترجیح می‌دهند، اما تنها ۲۳۶/۲٪ زنان ترجیح می‌دهند که زن باشند. با افزایش سطح سواد و درآمد، تمایل هر دو جنس به جنسیت کنونی خود سطح بالاتری را نشان می‌دهد. در پاسخ به این پرسش که: «به طور کلی به نظر شما زن‌ها از زندگی بیشتر لذت می‌برند یا مردها؟» در جامعه آماری مورد بررسی، ۱۷/۸٪ زن‌ها و ۳۴/۶٪ مردها را مورد اشاره قرار داده‌اند. اطلاعات موجود در این گزارش نشان می‌دهد که تمامی متغیرهای زمینه‌ای با محورهای مورد بررسی رابطه داشته‌اند.

عرضیات اجتماعی:

در تحقیق مورد نظر، میزان رضایت برحسب محورهای گوناگونی مورد توجه واقع شده است. مطابق این داده‌ها، پاسخگویان بیشترین میزان رضایت نسبی و کامل را از زندگی خانوادگی (۹۷/۱٪) و کمترین میزان رضایت نسبی و کامل را از بخت و اقبال خود اظهار داشته‌اند. میزان رضایت نسبی و کامل پاسخگویان از زندگی به طور کلی حدود ۹۱٪ بوده است و غیر از متغیر درآمد، با هیچیک از متغیرهای زمینه‌ای رابطه‌ای نشان نمی‌دهد. ارزیابی پاسخگویان از وضع رفاهی خانوار خود میانگینی برابر ۱۵/۱ (در مقیاس صفر تا ۲۰) را نشان می‌دهد، این داده‌ها که رابطه آن با متغیرهای جنس، سن، وضع تأهل و درآمد تأیید شده است با متغیرهای قبلی مورد سنجش در بحث رضایت هم‌نواپی نشان می‌دهد. اما در پاسخ به این سؤال که «اگر به فرض محال تولد مجدد پس از مرگ امکان‌پذیر باشد، آیا تمایلی به زندگی مجدد دارند؟» بیش از ۵۰٪ پاسخگویان مخالفت و تنها ۴۳٪ از آنان موافقت ابراز نموده‌اند. اگر چه عامل جنس با این متغیر رابطه‌ای نشان ندهد است، اما خصوصاً در شرایط تحصیلی و درآمدی بالاتر، میزان موافقت بیشتری ابراز شده است. به نظر می‌رسد پاسخ به این سؤال با یافته‌های محورهای مختلف رضایت اجتماعی متفاوت می‌نماید و حسب ظاهر، اگر میزان رضایت افراد از زندگی خود تا حدود اظهار شده بالا باشد، باید تمایل به زندگی مجدد نیز بسیار بالاتر از حدود فعلی باشد؛ اما توضیح خاصی در این مورد در متن گزارش وجود ندارد.

۷. ویژگی‌های رفتاری:

محقق با دو رویکرد در این باره عمل کرده است: بررسی ویژگی‌های آدم‌های خوب و بد از نظر پاسخگویان و نیز بررسی ویژگی‌های رفتاری ایرانیان از نظر افراد جامعه آماری. پنج صفت عمده‌ای که برای آدم‌های خوب توسط پاسخگویان مورد اشاره واقع شده است، عبارتند از: خوش اخلاقی، با ایمانی، باتقوایی، اجتماعی بودن و صداقت. به طور خلاصه می‌توان «حسن سلوک با دیگران در ابعاد اخلاقی و مذهبی» را عمده‌ترین ویژگی آدم‌های خوب از نظر پاسخگویان دانست. در عین حال، خوش اخلاقی و باتقوایی بیشتر مورد توجه زنان پاسخگو بوده است. سه ویژگی رازداری، شجاعت و فروتنی کمترین اهمیت را از نظر پاسخگویان داشته‌اند. در توصیف آدم‌های بد، بر صفات بد اخلاقی، دروغگویی و بی‌ایمانی بیشتر از همه تأکید شده است و در رده بعد صفات منفی ریاکاری، مردم‌آزاری و خودخواهی. تأکید مردان بر دروغگویی و خودخواهی به عنوان صفات بد بیشتر بوده است، حال آن که زنان پاسخگو بی‌ایمانی و بی‌ادبی را مذموم‌تر دانسته‌اند. سه صفت چاپلوسی،

تنبلی و جاه‌طلبی کمترین اهمیت به عنوان صفات بد را از نظر پاسخگویان داشته‌اند. همچنین از پاسخگویان در مورد ویژگی‌های رفتاری گوناگون هموطنان خود سؤال شده است. این ویژگی‌ها را می‌توان به سه بخش صفات مثبت، میانی و منفی دسته بندی کرد. در دسته میانی، یک صفت ویژه «کمرویی» وجود دارد که اگر چه منفی است ولی از نوع سایر صفات منفی نیست. اطلاعات حاصل از این بررسی نشان می‌دهد که از نظر پاسخگویان، صفات گذشته فعالیت، پای‌بندی به اخلاق و راستگویی در میان ایرانیان رواج زیادی دارد، در حالی که وجود همین صفات در میان ایرانیان از نظر گروهی دیگر از پاسخگویان، به ترتیب به این صورت تکذیب شده است، راستگویی، فعالیت، پای‌بندی به اخلاق و گذشته. در مورد صفت میانی کمرویی، درصد نفی کامل و تأیید زیاد، کمابیش در یک حد قرار دارد (۱۶/۰٪ و ۱۴/۶٪). البته اعتقاد به کمرویی در میان افراد مسن‌تر و کم سوادان شدت بیشتری دارد. در بحث صفات منفی بخشی از پاسخگویان، وجود سطح بالایی از تقلب دورویی، خودخواهی، تنبلی و تک‌روی را در ایرانیان تأیید کرده‌اند و از سوی بخشی دیگر از پاسخگویان، همین صفات نفی شده است. گذشته در میان کم سوادان، زنان و گروه‌های سنی بالاتر؛ راستگویی، در میان مسن‌ترها، زنان، کم سوادان و صاحبان درآمد کمتر بیشتر تأیید شده است. عقیده به عدم پای‌بندی اخلاقی، در میان جوانان، تحصیل کرده‌ها و پردرآمدها و عدم فعالیت در میان مردان، جوانان، تحصیل کرده‌ها و پردرآمدها قوت بیشتری دارد. در مقابل، اعتقاد به تنبلی نزد افراد تحصیل کرده و پردرآمد، اعتقاد به تکروی در نزد مردان، باسوادان و پردرآمدها بیشتر تأیید شده است. خودخواهی بیشتر اعتقاد زنان، تحصیل کرده‌ها و صاحبان درآمد بالا بوده است. زنان، جوانان، تحصیل کرده‌ها و پردرآمدها بر دورویی و تحصیل کرده‌ها و پردرآمدها بر تقلب در میان ایرانیان راسخ‌تر می‌باشند. به طور کلی خصوصاً متغیر جنس رابطه کمتری با متغیرهای مورد بررسی در هر سه بخش داشته است. دو نکته حائز اهمیت در این بحث عبارت است از آن که اولاً این صفات انتخابی می‌باشند و قطعاً نشان دهنده تمامی صفات ایرانیان نیستند و محقق معترض نیز بر این نکته صحه گذاشته است. ثانیاً به نظر می‌رسد برخی از صفات که تا حدودی مقابل همدیگر محسوب می‌شوند (مانند فعال بودن و تنبلی، گذشته و خودخواهی) چندان که باید و شاید جواب‌های نظیر دریافت نکرده‌اند. بنابراین شاید بهتر باشد در تحقیقات آتی، به این نکته توجه بیشتری شود.

جدول ۵. توزیع نسبی و رتبه ویژگی‌های رفتاری هموطنان بر اساس نمره‌های پاسخگویان بر دو طیف هیچ (نفی) و ویژگی زیاد (تأیید کامل) ویژگی

ویژگی	هیچ		زیاد	
	مقدار	رتبه در گروه	مقدار	رتبه در گروه
مؤذبت	۲۲۶	۴	۲۵۵	۱
راستگویی	۱۰۸	۲	۲۲۳	۴
پای‌بندی به اخلاق	۲۱۸	۳	۳۳۶	۲
فعال بودن	۵۱	۲	۲۲۰	۳
کمرویی	۱۶۱	۳	۱۶۶	۳
تنبلی	۱۳۲	۱	۲۸۷	۴
تکروی	۱۱۳	۲	۲۶۱	۵
خودخواهی	۱۰۷	۳	۲۰۱	۳
دورویی	۹۸	۴	۳۲۷	۲
تقلب	۸۷	۵	۳۲۹	۱

جدول ۸: میزان موافقت و مخالفت پاسخگویان با موضوعات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (برحسب درصد)

موضوع	مخالف	موافق	متغیر زمینه‌ای غیر مؤثر
دنبال پول بودن همه	۷/۶	۷۷/۳	جنس، سن، وضع تاهل، درآمد
موفق بودن پولدارها	۴۹/۲	۳۰/۷	جنس
محتاج به کار نبودن پولدارها	۷۱/۲	۱۹/۲	جنس، سن، وضع تاهل
بهتر بودن کار خصوصی از کار دولتی	۲۰/۶	۵۵/۷	سن، وضع تاهل
پیشی نرفتن کار بدون پارتنری بازی	۱۶/۱	۶۵/۱	—
رسم مولفیت بودن پررویی	۳۹/۰	۳۵/۸	درآمد
لزوم فقط به فکر خود بودن	۲۴/۰	۱۵/۴	جنس، وضع تاهل، درآمد
مشیت خود را پیش کسی باز نکره	۹/۰	۸۴/۴	سن، وضع تاهل، درآمد
تنهاتر بودن آدم‌ها در این دوره	۱۰/۵	۷۴/۲	جنس، سواد
سخت پیدا کردن دوست صمیمی	۱۲/۵	۷۴/۲	جنس
زور برابر زور	۵۲/۱	۳۳/۲	جنس، وضع تاهل، درآمد
عدم لزوم اطاعت از هر قانونی	۲۴/۲	۶۰/۳	جنس، وضع تاهل
از بین رفتن عاطفه توسط زندگی ماشینی	۱۲/۸	۶۵/۵	جنس، سواد، درآمد
خوشبخت‌تر بودن نسل‌های آینده	۳۳/۵	۲۸/۱	جنس، وضع تاهل
اهمیت شانس در زندگی	۱۷/۸	۶۱/۹	—

۸. نگرش در مورد نیروهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی:

در این حوزه، محقق محترم در چند بخش اصلی به مطالعه پرداخته است که شامل جامعه و اهرم‌های اقتصادی، جامعه، کار و پول، جامعه و اهرم‌های اجتماعی، انزوای اجتماعی، قانونمندی، زندگی نوین و آینده است.

در مورد اهرم‌های اقتصادی، دو موضوع پول‌گرایی و رابطه پول و موفقیت اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته است. از نظر پاسخگویان، بیشترین مردم دنبال پول هستند (۷۷/۳٪)، اما تنها ۲۱٪ از آنان فکر می‌کنند که پولدارها قرین موفقیت نیز هستند و حدود ۴۹٪ با چنین عقیده‌ای مخالف بوده‌اند. عامل جنس در هر دو مورد و عامل سن، وضع تاهل و درآمد براین دو متغیر تأثیر نداشته است. در محور کار و پول، بیشتر پاسخگویان با این نظر که «پولدارها نیازی به کار کردن ندارند» مخالفت ورزیده‌اند (۷۱/۲٪). با این حال ۵۵/۷٪ آنان کار خصوصی را بهتر از کار دولتی تلقی کرده‌اند، یعنی تأیید لزوم کار کردن به معنای تأیید هر نوع کاری از سوی آنان نبوده است.

در محور اهرم‌های اجتماعی، یعنی پارتنری بازی و پررویی، گروه کثیری از پاسخگویان بر اهمیت پارتنری بازی در مراودات اجتماعی تأکید داشته‌اند (۶۵٪) و اگر چنانچه افرادی که «تا حدودی» نیز موافق بوده‌اند، بر این جمع افزوده شود، این رقم به ۸۱٪ می‌رسد که نشان از اهمیت بسیار بالای این مسئله در اجتماع ما دارد. به صورتی که این نگرش با تمامی متغیرهای زمینه‌ای مورد بحث، رابطه نسبتاً قوی و بالایی نشان می‌دهد. نسبت کسانی که پررویی را رمز موفقیت می‌دانند، نزدیک به ۲۶٪ است و کسانی که بیشتر آن را تأیید می‌کنند عبارتند از: مردان، بزرگسالان و تحصیل‌کردگان.

در محور انزوای اجتماعی، تنها ۱۵٪ پاسخگویان معتقد بوده‌اند که «انسان باید فقط به فکر خودش باشد». در موضوع، رازداری، ۸۵٪ جامعه آماری اعتقاد داشته‌اند که نباید مشیت

خود را پیش کسی باز کرد، مردان، سالمندان و تحصیل‌کردگان بر این عقیده بیشتر تأکید داشته‌اند. نسبت پاسخگویانی که بر این عقیده مصر بوده‌اند که آدم‌ها در عصر ما از سابق تنهاتر هستند ۷۴٪ بوده است و در عین حال ۷۴٪ جامعه آماری نیز بر سختی پیدا کردن دوست صمیمی در این دوره اشاره داشته‌اند. کسانی که در مراتب بالاتری از سواد و درآمد قرار داشته‌اند، پای فشاری بیشتری بر این موضوع داشته‌اند.

در مورد قانونمندی دو موضوع عکس‌العمل در برابر زور و گرایش به اطاعت از قانون مورد بررسی قرار گرفته است. ۵۲٪ از جامعه آماری مخالف جواب زور را با زور دادن بوده‌اند، حال آن که ۳۳٪ آنان با مقابله به مثل موافق بوده‌اند. سن‌تر و کم‌سوادترها این گرایش را بیشتر نشان داده‌اند. از سوی دیگر ۶۰٪ جامعه آماری معتقد بودند که از هر قانونی نباید اطاعت کرد و کم‌سوادها و پردرآمدها بیشتر این امر را تأیید کرده‌اند.

در محور زندگی نوین و آینده، ۶۵٪ افراد به از بین رفتن عواطف در اثر زندگی ماشینی تأکید نموده‌اند، این عقیده در میان گروه‌های سنی بالاتر قوی‌تر بوده است. ۳۸٪ پاسخگویان اعتقاد داشته‌اند که نسل‌های آینده از ما خوشبخت‌تر خواهند بود، ولی در شرایطی که درآمد و سواد افزایش می‌یابد، از میزان این خوش‌بینی کاسته می‌شود.

میزان موافقت پاسخگویان با اهمیت شانس در زندگی حدود ۶۲٪ بوده است. شانس با تمامی متغیرهای زمینه‌ای رابطه داشته است؛ زنان، سن‌ترها، کم‌سوادترها، همسر از دست داده و افراد با درآمد پایین اهمیت شانس را بیشتر از سایر گروه‌ها تلقی می‌کرده‌اند. این نکته جای سؤال دارد که علی‌رغم ارتباط رضایت از بخت و اقبال، با سطح سواد در مبحث رضایت از زندگی، در حوزه نیروهای فرهنگی، «شانس» با سواد نیز رابطه‌ای نسبتاً قوی را نشان می‌دهد.

۹. ارزش‌های اجتماعی:

در این تحقیق، باتوجه به تنوع ارزش‌های اجتماعی از نظر ماهیت در چهار دسته اجتماعی (شامل مقام، شهرت، آبرو)، فرهنگی (درستکاری، علم و دانش)، اقتصادی (ثروت) و زیستی (سلامت) به مفهوم ارزش‌ها توجه شده است. مفهوم آبرو اگرچه ابعاد گسترده و در عین حال متفاوتی را داراست، از جمله مهمترین ارزش‌های اجتماعی است که در مورد آن توافق تقریباً کاملی در میان پاسخگویان حاصل است. همچنین اهمیت سلامت در سلسله مراتب ارزش‌ها بسیار بالاست و در مورد آن نیز توافق کلی وجود دارد. پس از این دو ارزش، ارزش‌های فرهنگی یعنی درست‌کاری و علم و دانش در نزد پاسخگویان اهمیت بیشتری دارد. در عین حال، اهمیت درستکاری در میان جوانان و باسوادترها، ضعیف‌تر و تأکید بر علم و دانش در میان جوانان و صاحبان درآمدهای بالا کمتر است. اگرچه درصد نسبتاً اندکی (۲۵/۴٪) از پاسخگویان ثروت را مهم تلقی کرده‌اند، اما حدود ۶۴٪ نیز بر اهمیت نسبی آن تأکید داشته‌اند. با استقرار شرایط مالی بهتر، اهمیت ثروت بیشتر تأیید می‌شود و کم‌سوادان و بی‌سوادان نیز در همین دسته قرار دارند. اگرچه دو ارزش اجتماعی یعنی شهرت و مقام در پایین‌ترین سطح تأیید قرار دارند، اما یا در نظر گرفتن حدود میانه، ملاحظه می‌شود که مقام برای حدود ۸۰٪ پاسخگویان و شهرت برای بیش از ۷۰٪ آنان دارای اهمیتی نسبی یا کامل است. تکیه بر اهمیت مقام در میان زنان بیشتر و در میان تحصیل‌کردگان کمتر و تأکید بر شهرت نیز در میان زنان بیشتر و در میان صاحبان علم و ثروت کمتر است.

۱۰. رفتارهای مذهبی:

به دلیل تنگنای موجود در زمینه سنجش رفتارهای مذهبی، بررسی این مسئله که صرفاً مربوط به مسلمانان می‌شده، محدود به قلمروهایی خاص گردیده است. داده‌های آماری نشان می‌دهد که پاسخگویان بیش از هر رفتار مذهبی دیگری در میان رفتارهای مورد بررسی، مبادرت به پرداخت فطره می‌کرده‌اند، به طوری که تنها حدود ۳٪ از جامعه آماری اظهار داشته‌اند که هرگز این رفتار را انجام نمی‌دهند. جدای از این رفتار که ماهیت خاص آن و وجوب انجام آن برای یک بار در سال، تا حدی با سایر رفتارها متفاوت است؛ سایر رفتارهای مورد بررسی هرگز ماهیت وجوبی ندارند و شاید علت پایین بودن انجام این رفتارها در سطح زیاد به همین ماهیت بازگردد. در عین حال، ۴٪ پاسخگویان ابراز داشته‌اند زیاد نذر و نیاز می‌کنند. خواندن نماز در مسجد و رفتن به دعای کمیل (که خصوصاً با توجه به زمان انجام تحقیق، یعنی سال ۱۳۳۴، گزینه گویایی برای سنجش رفتار مذهبی به نظر نمی‌رسد) پایین‌ترین میزان انجام زیاد را در میان پاسخگویان داشته‌اند. در میان رفتارهای مذهبی (نذر، نماز جماعت، رفتن به دعای کمیل) مهمترین عامل مرتبط تحصیلات و سپس عامل سن (در مورد فطره، رفتن به مجالس روضه‌خوانی و دعای کمیل) می‌باشد. کمترین رابطه با رفتارهای مذهبی در زمینه متغیر جنس مشاهده شده است. اگرچه نوع گزینه‌های انتخاب شده کمتر امکان یافتن روند خاصی را در میان رفتارهای مذهبی می‌دهد، اما به نظر می‌رسد پاسخگویان کمتری بر انجام اعمال مذهبی جمعی «در سطح زیاد» تأکید داشته‌اند. همچنین همانطور که قبلاً در بخش اوقات فراغت خاطر نشان شد، رفتن به مسجد به عنوان فعالیتی برای گذران اوقات فراغت برای کمتر از ۲۰٪ از جامعه آماری رفتار تأکید شده‌ای بود، با توجه به نزدیکی رقم نسبی تأکید در این مورد نیز، می‌توان گفت «رفتن به مسجد» نه به عنوان یک روش گذران اوقات فراغت و نه به عنوان یک رفتار لازم و واجب مذهبی جایگاه چندانی در میان پاسخگویان نداشته است که باید در تبیین علل آن تلاشی مناسب به عمل آورد.

۱۱. باورداشت‌ها و پندارها:

حدود ۵۳٪ از افراد معتقدند که سرنوشت هرکس از قبل تعیین شده است و این نظر در میان کسانی نیرومندتر است که سن بیشتر دارند، سواد پایین‌تر دارند و در گروه‌های کم‌درآمدتر قرار دارند. زنان نیز بیش از مردان سرنوشت را باور دارند. بیش از ۶۸٪ از پاسخگویان معتقد هستند که روزی انسان‌ها از قبل تعیین شده است و این عقیده بیشتر مورد تأکید زنان، کم‌سوادان و کم‌درآمدهاست. تأثیر قضا و قدر را ۷۱٪ از پاسخگویان تأکید می‌کنند و زنان بیشتر بر این عقیده هستند. هنگام با افزایش سطح سواد و درآمد این عقیده تضعیف می‌شود. ضرب‌المثل «چو فردا شود، فکر فردا کنیم» مورد تأیید حدود ۳۲٪ است و به نسبتی که سواد و درآمد بالا می‌رود این عقیده ضعیف می‌شود. حدود ۷۲٪ از پاسخگویان این بررسی معتقد هستند که برخی از انسان‌ها ممکن است بدذات باشند و وقتی سواد بالاتر می‌رود این عقیده ضعیف‌تر می‌شود و حال آن که با افزایش سطح درآمد این باور تقویت می‌شود. حدود ۵۸٪ از پاسخگویان معتقدند که برخی از مردم بدشانس هستند. این نظر در میان زنان طرفداران بیشتری دارد و با افزایش سطح سواد و درآمد از توجه به این نظر کاسته می‌شود. باور نسبت به چشم زخم از نیرومندی زیادی برخوردار است، چرا که ۷۰٪ از پاسخگویان معتقدند از چشم بد باید پرهیز کرد و در این میان زنان اکثریت دارند. وقتی سن بالاتر می‌رود، این باور تقویت می‌شود، حال آن که با ارتقاء سطح سواد و درآمد از شدت این باور کاسته می‌شود. در مجموع متغیرهای زمینه‌ای درآمد و سواد بیشترین ارتباط با این باورها را نشان داده‌اند، حال آن که این پندارها کمترین رابطه را با متغیر سن داشته‌اند.

همچنین از آنجا که باورهای مورد بررسی، همگی نمودهایی از جبرگرایی هستند، محقق دست به ساخت شاخص جبرگرایی زده‌است. نتایج حاصل نشان داده است که تنها ۱٪ پاسخگویان با تمام گویه‌ها مخالف و ۱۴/۵٪ با تمامی موارد موافق بودند. میانگین شاخص جبرگرایی ۱۶/۸۰ (با انحراف ۳/۲۹) بوده است. در عین حال میانه و نمای این شاخص ۱۷ و ۱۹ بوده که به زعم محقق نمایشگر شرایط خاص جامعه آماری از نظر شدت جبرگرایی است. میانگین این شاخص نزد زنان، کم‌درآمدها و کم‌سوادان در سطح بالاتری قرار دارد.

جدول ۷. توزیع نسبی نظرات پاسخگویان در مورد اهمیت ارزش‌های اجتماعی

ارزش	بی‌اهمیت	مهم	متغیر زمینه‌ای غیر مؤثر
آبرو	۰/۱	۹۷/۷	جنس، تحصیلات، درآمد
سلامتی	۰/۱	۹۷/۶	جنس، تحصیلات، درآمد
درستکاری	۰/۷	۹۵/۳	جنس
علم و دانش	۰/۸	۸۶/۰	جنس، وضع تاهل، درآمد
ثروت	۹/۸	۲۵/۴	-
شهرت	۲۷/۵	۲۴/۶	-
مقام	۱۹/۶	۲۴/۴	وضع تاهل، درآمد

جدول ۸. برخی از رفتارهای مذهبی و میزان عمل به آن در میان

جامعه مورد بررسی (برحسب درصد)

رفتار مذهبی	هرگز	زیاد	متغیر زمینه‌ای غیر مؤثر
پرداخت فطره	۲/۶	۸۶/۲	جنس، سواد
نذر و نیاز	۵/۹	۳۹/۸	-
زیارت اماکن مذهبی	۶/۴	۲۳/۴	-
رفتن به مجالس روضه‌خوانی	۱۵/۵	۱۹/۹	جنس
خواندن نماز جماعت در مسجد	۲۹/۰	۱۸/۱	-
رفتن به دعای کمیل	۴۱/۱	۷/۴	جنس

جدول ۹. توزیع نسبی نظرات پاسخگویان به باورداشت‌های فرهنگی

باور	مخالف	موافق	متغیر زمینه‌ای غیر مؤثر
ذات و سرشت	۱۰/۶	۷۲/۴	جنس، سن، وضع تاهل
قضا و قدر	۸/۹	۷۱/۰	سن، وضع تاهل
چشم زخم	۱۷/۰	۷۰/۵	-
روزی و قسمت	۱۷/۲	۶۸/۳	سن
بدشانسی	۱۸/۰	۵۷/۹	-
سرنوشت	۲۷/۵	۵۳/۴	-
اندیشه فردا	۵۷/۴	۳۲/۲	جنس

۱۲. آگاهی‌ها:

محقق در مورد آگاهی‌ها به دو زمینه اصلی توجه نموده است. محور اول آگاهی و اشراف پاسخگو به مسایل عمده و مهم و دانش او در این باره و محور دوم آگاهی‌ها و دانش عمومی اوست. مسایل عمده و مهم در دو بخش کشوری و جهانی مورد توجه واقع شده است. اکثریت پاسخگویان بررسی مزبور (۸۳٪) اعتقاد به زیادی جمعیت ایران داشته‌اند و زنان و جوانان در این مورد نگرش منفی‌تری را ابراز داشته‌اند. همچنین یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که از نظر پاسخگویان عمر متوسط افراد در ایران کاهش یافته است. با این حال عقیده به افزایش طول عمر در میان مردان، باسوادترها و پردرآمدها عمومیت بیشتری داشته است. از دیدگاه گروه مورد بررسی سه مشکل عمده کشور عبارتند از تورم، نارسایی‌های اقتصادی و بیکاری. در حالی که زنان بیش از مردان به مسئله تورم اشاره کرده‌اند، توجه مردان به ضعف مدیریت، گرانفروشی، بی‌قانونی، فساد اداری و عدم رسیدگی به کار مردم بیشتر است. وقتی از پاسخگویان خواسته شده است که به کشور ایران در مقایسه با سایر کشورها نمره‌ای بین صفر تا بیست بدهند، میانگین ۱۲/۵ بدست آمده در حالی که ۴٪ نمره صفر و ۱۴٪ نیز نمره ۲۰ را مناسب موقعیت ایران تشخیص داده‌اند. در این مورد میانگین نمره زنان و سالمندان بیشتر است و هر قدر سطح سواد و درآمد اشخاص بالا می‌رود از سطح نمره کاسته می‌شود. در عین حال، ۳۵٪ پاسخگویان کشور ژاپن را پیشرفته‌تر از سایر کشورها عنوان کرده‌اند و البته آمریکا و آلمان به ترتیب با ۲۵/۹٪ و ۲۲/۹٪ رتبه‌های بعدی را داشته‌اند.

با نسبت‌هایی متفاوت ولی با روندی یکسان، ۲۸/۲٪ پاسخگویان تمایل به برقراری رابطه کشور ایران با کشور ژاپن، ۲۲/۶٪ با آلمان و ۱۳/۲٪ با آمریکا داشته‌اند. به طور کلی ۷۷٪ از پاسخگویان تمایلی به مهاجرت از کشور ابراز نکرده‌اند، اما در میان کسانی که نمره کمتری به کشور داده‌اند و نیز مردان تمایل به مهاجرت بیشتر بوده است. همچنین این تمایل در میان کسانی که سواد یا درآمد بالاتری داشته‌اند، قوی‌تر است. در میان متغیرهای زمینه‌ای به ترتیب دو متغیر وضع تاهل و درآمد کمترین رابطه با محورهای مورد بررسی را نشان داده‌اند.

در بخش آگاهی‌های عمومی، با ساخت یک طیف و با فرض کسب حداقل و حداکثر پاسخ‌های درست به سوالات این بخش یعنی (صفر و هشت)، میانگین نمره اطلاعات عمومی افراد ۵/۶ و عدد نما برابر ۷ و میانه برابر ۶ شده است. تفاوت این شاخص در سطح تمام متغیرهای مورد بررسی، یعنی جنس (۶ در میان مردان و ۵/۱ در میان زنان)، سن (۷/۵ در گروه سنی ۱۶/۲۴ ساله و ۵/۰ در گروه سنی ۵۵ ساله و بالاتر)، سواد (۳/۴ در میان بی‌سوادان و ۶/۹ در میان دارندگان لیسانس و بالاتر)، وضع تاهل (۵/۹ در میان افراد ازدواج کرده و ۴/۱ در میان افراد همسر فوت شده) و بالاخره درآمد (۴/۹ در میان افراد بسیار کم درآمد و ۶/۲ در میان گروه پردرآمد) مشهود بوده است.

در مجموع یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که متغیر جنس در جامعه آماری مورد بررسی کمتر توانسته است به عنوان متغیر پیش بین عمل کند و به عکس متغیر سواد و تحصیلات قوی‌ترین متغیر مستقل و پیش بین در مورد متغیرهای مورد بررسی بوده است. درآمد و وضعیت تاهل نیز از عوامل مؤثر دیگر در نگرش‌ها و آگاهی‌های افراد مورد بررسی بوده‌اند. اما علی‌رغم این نکته و یافته ارزشمند، به دلیل عدم محاسبه ضرایب تعیین شدت وابستگی برای روابط مورد بررسی، رسیدن به قطعیت در مورد این نتایج، مستلزم بررسی و دقت بیشتری است. در عین حال به نظر می‌رسد یک نکته اساسی در دستیابی به این نتایج، نقش اصلی و جدی را ایفا کرده‌اند. چنانکه در ابتدای تحقیق ذکر شده است، حجم نمونه ۳۵۴۰ نفر برآورد شده که با نسبتی متناسب با حجم هر جامعه بین ۱۵ شهر در ۵ استان مورد بررسی تقسیم گشته است.

در نتیجه سهم نمونه‌های مربوط به شهر تهران به تنهایی ۶۷٪ کل نمونه‌ها یعنی ۲۳۲۰ نفر را در بر گرفته است. (ص ۱۵۶) چنانکه روشن است این مسئله در آمارها و اعداد و ارقام به دست آمده و در تحلیل‌های متعاقب آن تأثیر مهمی دارد و اگرچه کار بزرگ و ارزشمندی انجام پذیرفته است، اما کمتر می‌توان از این یافته‌ها قضاوت‌هایی در سطح ملی را نتیجه گرفت.

جدول ۱۰. توزیع نسبی پاسخ‌های پاسخگویان به گویه‌های مختلف سنجش میزان آگاهی

آگاهی	پاسخ صحیح	پاسخ غلط	متغیر زمینه‌ای غیرمؤثر
محل شهر مکه	۹۱/۵	۴/۱	-
وابستگی استانی	۸۲/۹	۱۱/۶	جنس
دوره ریاست جمهوری	۸۰/۹	۱۳/۸	-
مقایسه مساحت امریکا و انگلیس	۷۱/۹	۱۳/۳	-
مثل زندگی فردوسی	۵۹/۴	۲۶/۹	-
جمعیت ایران	۵۶/۸	۲۴/۳	-
جمعیت شهر پاسخگو	۳۹/۷	۳۵/۵	-
تعداد نمایندگان شهر پاسخگو	۱۹/۷	۴۲/۷	جنس

به علاوه، تعیین «شهرها» به عنوان جامعه آماری مورد بررسی، عنوان کتاب و طرح (یعنی بررسی آگاهی‌ها و نگرش‌ها... در ایران) را مورد تردید قرار می‌دهد. اگرچه تحولات روستاها در سالیان اخیر و خصوصاً تأثیر افزایش سطح سواد و تحصیلات و بهره‌مندی از امکانات مدرن و گسترش ارتباطات در این بخش از جمعیت کشور بسیار بارز بوده‌است، اما به نظر می‌رسد تلقی همسانی وضعیت شهرها و روستاهای کشور از حیث متغیرهای مورد بررسی دور از واقع باشد.

قالب تحلیلی - پژوهشی ارزشمند طرح یا چهارچوب KAP که یافته‌های ویژه و مهمی را در بررسی‌هایی از نوع خود به همراه دارد و در این بررسی به کار گرفته شده، توانسته است نکات و مسایل ویژه و نویی را به همراه داشته باشد. اما به نظر می‌رسد به دلیل ساختار توصیفی طرح، سنجش میزان تأثیر آگاهی‌ها بر نگرش‌های اجتماعی - فرهنگی بدست فراموشی سپرده شده است. چنین سنجش علاوه بر آن که می‌توانست زمینه‌های رفتاری را روشن‌تر و رفتار متعاقب را قابل پیش‌بینی سازد، امکان سنجش عملی همبستگی و دقت سوالات و گویه‌های مورد بررسی را فراهم می‌ساخت.

به عبارت دیگر علاوه بر تعیین میزان روایی و همبستگی داخلی سوالات در یک محور خاص، ارتباط بین آگاهی و نگرش به طور عینی و دقیق، صحت و روایی هر سؤال و گویه را پدید می‌آورد. برخی از سوالات بخش آگاهی‌ها نظیر «در حال حاضر جمعیت ایران به طور کلی کم است یا زیاد؟» اگرچه قطعاً در سنجش روایی با سایر سوالات قرار گرفته است، اما به نظر می‌رسد که در واقعیت پاسخ دقیقی را نیز نمی‌تواند به همراه داشته باشد، زیرا به طور کلی جمعیت ایران نه کم است و نه زیاد؛ نسبت به امکانات بالفعل زیاد و نسبت به امکانات بالقوه کم، نسبت به گذشته زیاد و نسبت به برخی از کشورهای دنیا نظیر چین کم. البته چنین سوالات و ابهام‌هایی را می‌توان در مورد برخی دیگر از سوالات نظیر «رفتن به دعای کمیل» در رفتارهای ناهمخوانی مطالب و تحلیل‌ها با داده‌های آماری و نیز برخی از استدلال‌ها با واقعیت‌های عینی نظیر کاهش مستمر طول عمر در تمامی دنیا (ص ۴۲۸) از دقت و سودمندی بیشتر تحقیق می‌کاهد. در عین حال این اثر، به دلیل گستردگی، حجم و فراخنای بررسی‌ها، داده‌های بسیاری را برای هرگونه تحلیل عمیق‌تر و طولی در کشور و درک تحولات فرهنگی آن فراهم می‌سازد.

۱) Knowledge - Attitude - practice